

نقش قوانین در پیشگیری از جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی

سیدابراهیم حسینی^۱

چکیده

پیشگیری از ارتکاب جرم به معنای پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، که همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی بوده، امروزه یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست جنایی کشورها را تشکیل می‌دهد. بی‌تردید در کنار دستگاه‌های قضایی و اجرایی و انتظامی بلکه مقدم بر آنها، دستگاه قانون‌گذاری با وضع قوانین کارآمد و مؤثر، به‌ویژه در ایران و کشورهای پیرو نظام حقوقی مدون، می‌تواند هم با جرم‌انگاری اعمال مجرمانه و تنظیم فهرستی از جرایم و مجازات‌ها و آگاه نمودن افراد جامعه نسبت به رفتارهای ضدا اجتماعی، در پیشگیری از جرایم تأثیر شایسته‌ای داشته باشد و هم با بسیج کردن و جهت دادن به دستگاه‌های قضایی و اجرایی از وقوع و شیوع آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کند. امروزه پاشنه آشیل جمهوری اسلامی، گسترش فساد و ارتکاب جرائم و در نتیجه پیشامد آسیب‌های اجتماعی است که با گستره و دسترسی وسیع و آسان فضای مجازی تصاعد هندسی پیدا کرده آثار مخرب و ویرانگر آن بالاتر از حد تصور است. در این تحقیق تلاش کردیم تا با شیوه تحلیلی انتقادی، نقش قانون را در پیشگیری از جرم، و آسیب‌های اجتماعی بررسی کنیم. کلیدواژه‌ها: پیشگیری، قانون، جرم، آسیب اجتماعی، مجازات، بازدارندگی.

مقدمه

جست‌وجوی راهکارهایی برای حل معضل بزهکاری و آسیب اجتماعی، یافتن طرق پیشگیری از جرم، همواره مد نظر اندیشمندان و جرم‌شناسان بوده است. انریکو فری نهاد پیشگیری از جرم و ناهنجارهای اجتماعی را طراحی و آن را «جانشین‌های کیفری» خوانده است (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۱۵) و بعداً با گذشت زمان به حدی گسترش یافته که امروزه شاخه‌ای تحت عنوان «جرم‌شناسی

^۱ استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، sehoseini@hotmail.com

پیشگیری» به ظهور رسیده است (فدایی شهری، ۱۳۸۵، ص ۶۰). از این رو، پیوسته کوشش شده، تا با تمسک به ابزارهایی از وقوع جرایم ممانعت به عمل آید و در این رهگذر، اعمال مجازات برای ارباب مجرمان بالقوه و بالفعل و آموختن درس عبرت به آنان، یکی از این اهرم‌هاست، اهرمی که از طریق نمایش اعمال ضمانت اجرای کیفری بر مرتکبان، خواهان پیکار با انگیزه‌های مجرمانه است. بدین سان پیشگیری از جرم که در قالب تدابیری متنوع قابلیت تبلور دارد، بخشی از آن از راه تحمیل کیفر بر مجرمان و بر اساس نظریه بازدارندگی محقق می‌شود، که به‌عنوان نخستین نسل از اقدامات پیشگیری‌کننده، کارکرد آن تولید هراس در اذهان عمومی است.

پیشگیری سطوح مختلفی دارد. مهم‌ترین تقسیم‌بندی که در این زمینه وجود دارد عبارت است از: پیشگیری اولیه یا سطح اول، شامل بر هم زدن شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی. پیشگیری ثانویه یا سطح دوم، متضمن مداخله در حالت خطرناک و شرایطی است که احتمال وقوع بزه را تقویت می‌کند. پیشگیری ثالث یا سطح سوم، ناظر بر تدابیری است جهت ممانعت از تکرار جرم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴-۸).

گرچه پیشگیری به‌عنوان یک سیاست بنیادین، برای اولین بار در سال ۱۸۲۹ از طریق قانون پلیس کلان‌شهر لندن تدوین شد، اما اهمیت نقش قانون در پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، نفیاً و اثباتاً، بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی امروز، ریشه در قوانین نادرستِ دیروز دارد و راهکار اساسی اصلاح این نابسامانی‌ها، تحول زیرساخت‌های اجتماعی با شیوه‌های حقوقی است. قوانین و مقررات علاوه بر نقش مستقیم در تغییر اوضاع و شرایط جامعه، با ریل‌گذاری مسیر عملکرد سایر دستگاه‌های اجرایی، قضایی و امنیتی و انتظامی، در حذف عوامل اجتماعی ارتکاب جرم و بهینه‌سازی شخصیت افراد جامعه و حذف بسترهای اجتماعی ارتکاب جرم به طور غیرمستقیم نقش ایفا می‌کند. از این رو، قوانین و مقررات، علاوه بر پیشگیری حقوقی، در پیشگیری اجتماعی و وضعی نیز تأثیر بسزایی دارند. حداقل آنکه زمینه و شرایط را برای پیشگیری اجتماعی و وضعی فراهم می‌کند. در واقع، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین گام در بحث پیشگیری از جرم، اقدامات غیرکیفری قبل از وقوع آن می‌باشد؛ زیرا اقدامات کیفری به تنهایی موفق به کسب موفقیت چشمگیری در کاهش بزهکاری نشده‌اند (ساریخانی و سلطانی بهلولی ۱۳۹۵، ص ۱۴۸). از این رو، امروزه نظام‌های

حقوقی کشورهای پیشرفته، پیشگیری از جرم را به‌عنوان رویکردی بهینه و مؤثر به رسمیت شناخته و در قالب برنامه‌های متنوع اجرا می‌کنند (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

پرسش اصلی این پژوهش آن است که مبانی و کیفیت نقش‌آفرینی قانون در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی چیست؟ بدین‌منظور، در این مقاله، پس از معرفی مفاهیم تحقیق، به مبانی پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی اشاره شده و سپس به نقش مستقیم قانون در این مورد یعنی پیشگیری از راه جرم‌انگاری اعمال مجرمانه پرداخته می‌شود و در مرحله بعدی به نقش غیرمستقیم قانون در این امر، یعنی پیشگیری از راه تکلیف قانونی به دستگاه‌های قضایی و اجرایی اشاره می‌کنیم و در نهایت، به برخی بایسته‌های قانون‌گذاری در این زمینه می‌پردازیم.

۱- مفاهیم پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی

قبل از بیان مبانی و کیفیت نقش‌آفرینی قانون در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی، لازم است برخی مفاهیم به اختصار توضیح داده شود.

۱-۱- پیشگیری

واژه «پیشگیری» (Prevention)، در لغت به معنای جلوگیری کردن، ممانعت نمودن، و اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته است (معین، ۱۳۶۲، ص ۳۹۵)، در اصطلاح جرم‌شناسی و حقوق جزا عبارت است از: به جلوی تبه‌کاری و ناهنجاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون مداخله جهت ممانعت از وقوع جرم (گسن، ۱۳۷۰، ص ۶۷). پیشگیری دربردارنده شیوه‌های متعدد کیفری و غیرکیفری است، هرچند که برخی از اندیشمندان صرفاً به مفهوم مضیق پیشگیری یعنی راهبردهای پیشگیری غیرکیفری (کنشی) باور داشته و ممانعت‌های واکنشی از سوی جامعه را از حیطه نهاد پیشگیری خارج می‌انگارند. پیشگیری غیرکیفری (کنشی یا پیشین) عبارت است از: اقدام مناسب غیرکیفری که قبل از وقوع پدیده مجرمانه از طریق کاهش یا حذف و خنثی‌سازی علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه می‌باشد. اما پیشگیری کیفری (واکنشی یا پسینی) ناظر به اقدامات کیفری قبل و بعد از وقوع جرم بوده که با بهره جستن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش بزه‌کاری است

(شیری، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۹). هدف پیشگیری شامل اقداماتی در قالب شناسایی و ارزیابی خطر جرم و اتخاذ راهکارهای لازم برای جلوگیری یا کاهش نرخ بزهکاری است. از این رو، چون نظام کیفری برای کاهش آثار بزه کافی نیست، در جست‌وجوی راه‌حلی مناسب برای محو جرائم، باید به ابزارهای مکمل اندیشید و در کنار اهرم اعمال کیفر و بهره‌گیری از تأثیرات پیشگیرانه آن، بر نقش آموزش و پرورش و مذهب و دولت تأکید نمود (پردال، ۱۳۸۱، ص ۶۴-۶۵).

لازم به ذکر است که مقصود ما از پیشگیری در این مقاله، در وهله اول تدابیر قانونی و به ویژه کیفری است اما در وهله دوم، مفهوم موسع آن مد نظر است، یعنی طیف وسیعی از تدابیر کیفری و غیرکیفری که در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری صورت می‌گیرد (معظمی، ۱۳۸۶، ص ۹۳)؛ اعم از واکنش‌های جامعه علیه جرم از قبیل مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی، جبران زیان‌های بزه‌دیده، بازپروری مجرمان و همچنین کنش‌های اجتماعی که قبل از وقوع جرایم به منظور خنثی‌سازی عوامل جرم‌زای خانوادگی، فردی و محیطی انجام می‌شود.

«پیشگیری» در مفهوم موسع، همه اقداماتی که در نهایت باعث کاهش میزان بزهکاری شود را دربر می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۴۱). «پیشگیری» در مفهوم مضیق، مجموعه وسایل و ابزارهایی است که دولت در جهت مهار بهتر بزهکاری و از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و اعمال مدیریت مناسب عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌دهد. البته باید توجه داشت که پیشگیری با ابزار کیفری در این مفهوم جای نمی‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۷۴۲).

پیشگیری غیرکیفری یا کنشی به دو گروه پیشگیری اولیه و ثانویه تقسیم می‌گردد که ناظر بر مرحله پیش از ارتکاب جرم است. در واقع تدابیر مورد نظر در این گونه از پیشگیری فاقد جنبه قهرآمیز و کیفری بوده و به افراد ناکرده بزه اختصاص دارد. درحالی‌که مخاطب پیشگیری کیفری افراد بزهکار هستند. پیشگیری اولیه ناظر بر تغییر شرایط جرم‌زای محیطی و اجتماعی از طریق برنامه‌های بلندمدت می‌باشد (همان، ص ۱۷). مخاطب این برنامه‌ها همه شهروندان جامعه بدون هیچ وصف خاصی هستند. درحالی‌که تدابیر به کار گرفته شده در پیشگیری ثانویه تنها به گروه‌های خاصی از افراد در معرض خطر اختصاص دارد. پیشگیری اولیه نیز به دو گونه پیشگیری اجتماعی و وضعی تقسیم می‌شود. پیشگیری اجتماعی، با ایجاد تغییرات و

اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال کاهش ارتکاب جرم به صورت پایدار است و می‌کوشد تا اعضای جامعه را از طریق آموزش و تربیت با نظام اجتماعی و فرهنگی، هماهنگ سازد (شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۸۹). در واقع، این نوع از پیشگیری علت وقوع جرم را در ساختارهای اجتماعی جست‌وجو می‌کند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

در ماده اول قانون پیشگیری از جرم (مصوب ۱۳۹۴)، آن را به پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن تعریف کرده است. علاوه بر پیشگیری کیفی، به منظور وضع قوانین مؤثر و کارآمد، می‌توان و باید از سایر اقسام پیشگیری از جرم نیز استمداد جست، که به دو مورد مهم آن اشاره می‌شود.

الف. پیشگیری اجتماعی: پیشگیری اجتماعی، رایج‌ترین شکل پیشگیری اولیه و غیرکیفری است و شامل اقدام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، هسته اصلی این مدل از پیشگیری را تشکیل می‌دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۷۰).

ب. پیشگیری وضعی: یکی از شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری، پیشگیری وضعی است که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان با کاهش جذابیت آماج و جاذبه‌زدایی از آن وضعیت (همان، ص ۱۴)، درصدد بر هم زدن شرایط ماقبل ارتکاب جرم است و در واقع، در مرحله گذار از اندیشه مجرمانه به فعل مجرمانه، وارد عمل می‌شود (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). در نگاه کلارک در مقدمه کتابش تحت عنوان **پیشگیری وضعی از بزهکاری: مطالعات موارد موفق** «نظریه پیشگیری وضعی به یک روش خاص اشاره دارد که هدف آن متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست، بلکه به طور ساده بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد» (کلارک، ۱۹۹۲، ص ۲۵۲). امروزه محققان اهداف پیشگیری وضعی را، کاهش فرصت‌های فعالیت مجرمانه از راه «محدود نمودن دسترسی» و «لکاستن از جذابیت‌ها» می‌دانند (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۹۱).

۱-۲- قانون

«قانون» (Law)، واژه‌ای یونانی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۲۸، ذیل ماده قتن) که اصل آن، "Kanun" است، اما پس از ارتباط زبان یونانی با زبان عربی، این کلمه وارد زبان عرب شد (السدیری توفیق ۱۴۲۵ق، ص ۱۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۳۹۵، واژه قانون؛ معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶) و در اصل به معنای «المسطرة» یعنی چوب راست بود، اما به صورت استعاره به معنای قاعده به کار رفته است و از زبان عربی وارد زبان فارسی شده است (کعبی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). در لغت فارسی و عربی به معنای قاعده کلی است که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات از آن شناخته شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۵۲۴۱، واژه قانون؛ معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶). قاعده، به معنای نظام و استقرار بر یک سبک و اسلوب اساسی و فراگیر است (کعبی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). معانی دیگری که برای قانون در کتب لغت گفته شده است، رسم، روش، آیین و مقیاس است. در *لسان‌العرب* «قانون هر چیزی را، راه و طریق سنجش آن» دانسته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۲۸). در اصطلاح، قانون به ضابطه‌ای کلی گفته می‌شود که بر افرادی منطبق و حکم همه آن افراد از آن ضابطه شناخته می‌شود (گرجی، ۱۳۶۷، ص ۱۹۹؛ محمصانی، ۱۹۶۱، ص ۱۹)؛ یا قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار آن را وضع و ابلاغ می‌کنند (معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۸۴۶).

در مباحث حاضر که قانون در راستای اداره حکومت و تدبیر جامعه بررسی می‌شود، مقصود قانون اعتباری (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۵؛ همو، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴) و معنای حقوقی آن است، یعنی قواعد و مقررات اجتماعی لازم‌الاجرا و دارای ضمانت اجرای خارجی مشخص در هر جامعه است. واژه «Law» در زبان انگلیسی و «Droit» در زبان فرانسوی، «حقوق»- به مفهوم اسم جمع- در زبان فارسی و واژه «شع» یا «شریعت» در فرهنگ اسلامی معادل این معنا است (کعبی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). قانون به این معنا گاهی در مفهوم عام آن مورد نظر است که به معنای مجموع قواعد الزام‌آور مصوب مقامات صلاحیت‌دار شامل تصویب نامه‌ها، آیین‌نامه‌های مصوب از سوی هیئت دولت و... است، اما قانون به معنای خاص کلمه به مفهوم مصوبات پارلمان است (علومی، ۱۳۸۴، ص ۱). مقصود ما از «قانون» در این پژوهش، مفهوم عام آن است.

۱-۳- جرم

واژه «جرم» (offence - crime)، در لغت به معنای گناه، خطا، ذنب، تعدی، بزه، عصیان و معصیت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۷۲۲) و در اصطلاح حقوقی، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم نامیده می‌شود (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران). جامعه‌شناسان معتقدند: جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند، جرم محسوب می‌شود (تاج، ۱۳۶۸، ص ۴۶).

به هر حال از سوی جرم‌شناسان چند تعریف مشخص از جرم ارائه شده از جمله اینکه: جرم تجاوز به حق و وظیفه است؛ جرم عملی قابل مجازات است؛ جرم عملی علیه آزادی فرد است؛ جرم عملی برخلاف قانون است؛ جرم عملی خلاف قانون و اخلاق است؛ جرم عملی ضد اجتماعی است؛ جرم لطمه به وجدان و اخلاق است (مظلومان، ۱۳۵۶، ص ۱۵-۳۳).

۱-۴- آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی به دسته‌ای از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری افراد یک جامعه چه به صورت فردی و یا جمعی گفته می‌شوند که ریشه در بی‌نظمی‌ها، کژکارکردی‌های پدیده‌های اجتماعی و پیامدهای نامطلوب آنها دارد. این آسیب‌ها غالباً باعث رنجش روانی، جسمی و مادی اقشار خاص و آسیب‌پذیر جامعه می‌شوند. همچنین می‌توان گفت: به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

آسیب‌های اجتماعی به عنوان اعمالی که هنجارهای جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد و نظام اجتماعی را تهدید می‌کنند در هر جامعه‌ای حائز اهمیت جدی هستند، رشد و تنوع آسیب‌ها در شهرهای بزرگ خصوصاً کلان‌شهرها به واسطه شرایط خاص: افزایش روزافزون جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، گسترش حاشیه‌نشینی، فقدان مهارت‌های زندگی در کلان‌شهر، گسست نظام‌های سنتی و پیوندهای عاطفی و خانوادگی، آسیب‌پذیری شهروندان به دلیل مشکلات اجتماعی

و اقتصادی و... هشداردهنده است و لازم است در جهت مهار، و کاهش آن اقدام اساسی صورت گیرد (ستوده، ۱۳۷۹، ص ۷۵-۸۰).

۱-۵- بازدارندگی

«بازدارندگی» (Deterrence)، از لحاظ لغوی برگرفته از «بازداشتن»، به معنای منع کردن و جلوی کسی یا چیزی یا کاری را گرفتن می‌باشد (عمید، ۱۳۹۰، ص ۲۷۱). اما در معنای اصطلاحی خود در عرصه جرم‌شناسی، بازدارندگی عبارت است از: هراس برآمده از مجازات که سبب می‌گردد، مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می‌شود و مجرمان بالقوه ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری کنند، چراکه با سنجش بخردانه موقعیت، نتایج ناخوشایند حاصل از جرم را بر ثمرات مطلوب آن برتر می‌بینند.

نوع نگاه به مجرمان و به تبع آن اهداف مجازات، در طول تاریخ دستخوش تحولاتی بوده است، به طوری که اهدافی در طیف گسترده سزادهی و انتقام‌جویی، بازدارندگی، اصلاح و بازپروری، ناتوان‌سازی و حذف مجرمان مطرح شده است. به هر حال، بازدارندگی یکی از اهداف قطعی مجازات است. سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم و ممانعت از تکرار جرم از سوی مجرم است (تبیث، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲). بازدارندگی تأثیری است که بر اراده اشخاص اعمال می‌شود و این عامل تأثیرگذار، گاه خود عمل مجازات و گاه تصور آن است، تصویری که با انتظار وقوع یک شر مشابه می‌شود (فریدمن، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

۲- مبانی پیشگیری کیفری از جرم و آسیب‌های اجتماعی

قانون به انحاء گوناگون و با مبانی متفاوتی می‌تواند در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی نقش ایفا نماید. یکی از آنها هنجارسازی با ایجاد و تقویت گفت‌وگو، قانون‌گرایی است و دیگری پیشگیری از راه جرم‌انگاری اعمال مجرمانه بر مبنای اصل بازدارندگی است که به اختصار بیان می‌کنیم.

۲-۱- هنجارسازی با ایجاد و تقویت گفتمان قانون‌گرایی

قوانین در هر جامعه‌ای مبنای اصلی نظم و انضباط اجتماعی محسوب می‌شوند، به طوری که بدون وجود قوانین، نظم و انتظام اجتماعی میان افراد، سازمان‌ها و نهادهای مدنی غیرممکن خواهد بود، قانون جایگاه هر فرد را در نظام فرزندی، معین ساخته و توقعات و انتظارات را در جهت منطقی هدایت می‌کند. قانون نه تنها رابطه میان کنشگران را تعریف می‌کند، بلکه روابط میان نهادها و گروه‌های اجتماعی را نیز در سطح کلان مشخص کرده، برای کسانی که از آن تخطی می‌کنند، کیفر و مجازاتی را معلوم کرده است. کارکرد مهم رسانه‌ها در این زمینه، شناساندن قانون و کیفر آن به کنشگران اجتماعی برای کاهش میزان ارتکاب جرائم است. وجود قانون در کتب قانون، نظم اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. تبیین و انتقال فرهنگ قانون‌گرایی را به عاملان اجتماعی آنان را هنگام مواجهه با جرم و زمینه‌های آن را می‌کند (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵-۱۱۶). تأثیرات مثبت و فزاینده‌ای در شکل‌دهی و شکل‌گیری گفتمان قانون‌گرایی خواهد داشت. گفتمانی که امروزه شرط اولیه و ضروری برای تحقق اندیشه پیشگیری از جرم می‌باشد. در جامعه‌ای وقوع انواع و اقسام گونه‌های جرم مطرح می‌گردد که مردم آن جامعه نسبت به رعایت و یا عدم رعایت قانون حساسیت خاصی نداشته باشند. از این رو، اگر جامعه‌ای با فهم و درک درست آثار و پیامدهای اعمال و اقدامات ضد قانونی بر رعایت و تضمین و اجرای قانون تأکید ورزند مطمئناً آن جامعه، جامعه‌ای اخلاقی، قانونمند، قانون‌مدار و پاک خواهد بود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰).

۲-۲- پیشگیری از راه جرم‌انگاری اعمال مجرمانه

یکی از کارکردهای قوانین و مقررات، به‌ویژه قوانین کیفری، بازدارندگی است. در کشورهایی که همانند ایران از نظام حقوق رومی- ژرمنی (حقوق نوشته) پیروی می‌کنند، قانون، جایگاهی والا داشته و همسو با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هیچ جرم و مجازاتی بدون نص قانون وجود ندارد، بدین معنا که فقط قانون می‌تواند، جرم و به تبع آن مجازات را رقم زند. از این رو، بر قانون‌گذار است که اعمال مجرمانه و مجازات‌ها را به صورتی صریح در قانون احصا نماید (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸).

بنابراین، پیشگیری از جرم یکی از مبانی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست، به طوری که

بتنام معتقد بود: قوانین کیفری بر اراده انسانی تأثیر روانی بجای می‌گذارد و موجب می‌شود انسان دانسته و سنجیده در اعمال خود گام بردارد و از پیش، پیامد آن را پیش‌بینی کند، پس عبرت‌انگیزی کیفرها اثر بازدارنده‌ای دربر دارد، اثری که مشروط به آن است که فرد قادر باشد، پیش از ارتکاب جرم، سود و زیان خود را محاسبه کند و در این حال وجود قانونی روشن و دقیق و قابل فهم، برای پیشگیری از رفتارهای ضداجتماعی ضروری و سودمند است (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۶۷)، یعنی تنظیم فهرستی از جرایم و مجازات‌ها و آگاه نمودن افراد جامعه نسبت به آن تأثیر نیکویی در پیشگیری از جرایم خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷). بدین ترتیب، نخستین و مهم‌ترین رکن بهداشت حقوقی در کشور، همانا وجود قوانین کارآمد و مؤثر در پیشگیری از جرم است.

بدین‌رو، قانون‌گذار یکی از نقش‌آفرینان مؤثر در نگارش سناریوی اربعابی اقدامات کیفری است، خصیصه اربعابی که در گذشته با تأکید فراوان نسبت به آن اغلب مجازات‌ها تا پایان قرن هجدهم هراس‌انگیز و بی‌نهایت شدید و توأم با شکنجه بودند، چرا که تصور می‌شد با این سازوکار می‌توان وحشت را در اجتماع پدید آورده و در نتیجه، مانع از ارتکاب جرم شد (معظمی، ۱۳۸۶، ص ۸۸).

از نظر بکاریا «هدف کیفر جز آن نیست که بزهکار را از زیان رسانیدن دوباره به شهروندان خود بازدارد (بازدارندگی خاص) و دیگران را نیز از پیروی در این راه بازگرداند (بازدارندگی عام)» (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۶۷). پس نتیجه مجازات باید به گونه‌ای باشد که کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، بار دیگر چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان، تکرار نشود (بولک، ۱۳۸۵، ص ۳۱). مبنای بازدارندگی عام، پیش‌بینی این نکته است که مجازات یک مجرم بر دیگران تأثیر خواهد گذاشت (فلچر، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

برای پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی بر اساس اصل بازدارندگی، جامعه با مجازات کردن مجرم دستگیر شده به مجرم‌ان احتمالی هشدار می‌دهد که فکر ارتکاب جرم را از سر بیرون کنند، به این دلیل که همین سرنوشت در انتظار آنان نیز خواهد بود و این همان معنای بازدارندگی عمومی است، به علاوه خود مجرم نیز با تحمل مجازات متوجه خواهد شد که هرگاه در آینده باز هم مرتکب جرم شود، همین سرنوشت شوم و حتی شدیدتر از آن در انتظار اوست (محسنی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶).

۳- پیشگیری از راه تکلیف قانونی به دستگاه‌های قضایی و اجرایی

قانون گاهی مستقیماً از طریق امر و نهی قانونی و با جرم‌انگاری و هنجارسازی‌ها در بهداشت حقوقی جامعه و پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار است، و گاهی غیرمستقیم از راه تکلیف قانونی به دستگاه‌های قضایی و اجرایی و استمداد از آنها اثرگذار است. برای نمونه، قانون‌گذار می‌تواند با وضع قانون به تعاریف و شاخص‌های پیشگیری فرهنگی و اجتماعی، پیشگیری حقوقی قضایی، پیشگیری امنیتی و انتظامی، پیشگیری وضعی و پیشگیری مردمی بپردازد و در قانون پیشگیری از وقوع جرم، به صورت شفاف وظایف و تکالیف دستگاه‌های اجرایی، قوه قضاییه و دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی را تعیین کند.

برای تبیین این نقش قانون، نخست ضرورت مداخله همه دستگاه‌های حکومتی در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی را بیان، سپس به نحوه ایفای نقش آنها اشاره می‌شود.

۳-۱- مسئولیت دستگاه‌های قضایی و اجرایی در پیشگیری از جرم و

آسیب‌های اجتماعی

بزهکاری همواره به نظم عمومی صدمه می‌زند و سیاست‌های مهار بزهکاری در هر جامعه‌ای، بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه ارتکاب جرم همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مسلماً همه نهادهای حکومتی باید در مهار بزهکاری مشارکت داشته باشند (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱).

پیشگیری در مرحله پیش از ارتکاب جرم به معنای مداخله زود هنگام جهت جلوگیری از به فعلیت رسیدن قصد مجرمانه، پیشگیری غیرکیفری و خارج از تشکیلات قضایی است. برخی کشورها از جمله انگلستان، دستگاه‌های اجرایی را مسئول پیشگیری از جرم قرار داده‌اند؛ به دلیل اینکه نهادهای مذکور امکانات کافی جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این خصوص را در اختیار دارند. بنابراین، مشارکت همه نهادهای دولتی و مردمی در اقدامات پیشگیرانه ضروری است و نمی‌توان صرفاً یک نهاد یا سازمان خاص را متولی این امر دانست (همان).

مهم‌ترین دلیل حضور قوه مجریه در این عرصه، حفظ نظم عمومی جامعه است. ارتکاب جرم

نظم عمومی جامعه را مختل نموده و ریشه در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی دارد. قوه مجریه نیز علاوه بر وظیفه تأمین امنیت جامعه و حفظ نظم، نقش مؤثری در ایجاد رفاه اجتماعی و کاهش مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی ایفاء می‌کند.

قوه قضائیه در این زمینه، وظیفه ذاتی و تکلیف قانونی مصرح در قانون اساسی دارد. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان» را یکی از وظایف قوه قضائیه دانسته است. این عبارت دو وظیفه را بر عهده قوه قضائیه می‌گذارد: اول، سیاست‌های جنایی که شامل کشف و تعقیب و تحقیق جرایم و متهمان است. دوم، سامانه یا نظامی که متولی مدیریت و اجرای این فرایند محسوب می‌شود که همان نظام عدالت جنایی است. در لایحه پیشگیری از جرم این عبارت، پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن تعریف شده است.

آنچه در بند ۵ اصل ۱۵۶ بیان شده، پیشگیری به معنای خاص کلمه است، یعنی «پیشگیری کنشی» که به مرحله پیش از وقوع جرم مربوط می‌شود. بند چهارم، که «کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» را یکی دیگر از وظایف این قوه می‌داند این قبیل اقدام‌ها که عمدتاً به پس از وقوع جرم مربوط هستند، یعنی جنبه واکنشی و پسینی و ماهیت قضایی کیفری دارند، می‌توان با مفهوم پیشگیری و به طور مشخص، پیشگیری از تکرار جرم بزهکاران از طریق کیفردهی و اجرای محکومیت‌های کیفری ارتباط داد (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱-۱۵۳).

بنابراین، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، پیشگیری دو مفهوم دارد: پیشگیری به مفهوم خاص که همان پیشگیری کنشی است و به مرحله پیش از وقوع جرم مربوط می‌شود، پیشگیری به مفهوم عام که شامل اصلاح مجرمان یا بزهکاران یعنی پیشگیری واکنشی نیز می‌شود.

ماده ۲ در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اقدام مناسب (قوه قضائیه) برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین و اتخاذ سیاست‌های جامع، هماهنگ و اثربخش در زمینه پیشگیری از جرم یا مشارکت مردم، اجتماعات محلی و نهادهای غیردولتی شورایی به نام «شورای عالی پیشگیری از جرم» به ریاست رئیس قوه قضائیه و مرکب از افراد زیر تشکیل می‌شود.

ماده ۳ وظایف شورای پیشگیری از جرم عبارت است از: ۱. تصویب طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم؛ ۲. تبیین نقش و وظایف هر یک از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی در امر پیشگیری از جرم در چارچوب وظایف قانونی آنها؛ ۳. اتخاذ تدابیر مناسب جهت هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسئول در امر پیشگیری از جرم؛ ۴. بررسی لوایح مورد نیاز برای پیشگیری از جرم؛ ۵. اقدام مناسب برای اصلاح قوانین و مقررات جرم‌زا؛ ۶. اتخاذ سیاست‌های لازم برای توسعه و گسترش فرهنگ پیشگیری از جرم؛ ۷. اتخاذ تدابیر لازم برای جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی در تهیه، تدوین و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم؛ ۸. ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها، برنامه‌ها و عملکرد دستگاه‌های مسئول در زمینه پیشگیری از جرم؛ ۹. تخصیص اعتبارهای لازم و استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود در زمینه پیشگیری از جرم.

۳-۲- حذف عوامل مؤثر در ایجاد آسیب‌های اجتماعی

در قرن هجدهم، فیلسوفانی مانند منتسکیو، ولتر، روسو و بکاریا، به محیط اجتماعی به‌عنوان عامل مؤثر در ارتکاب جرم اشاره کردند (نوربها، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷-۱۶۸). پس از شناسایی نحوه تأثیر شرایط اجتماعی و محیط فیزیکی بر ارتکاب جرم شهروندان، اندیشه کاهش شرایط جرم‌زا شکل گرفت و نظریات مربوط به پیشگیری از جرم مطرح شد. پیشگیری اجتماعی، رایج‌ترین شکل پیشگیری اولیه و غیرکیفری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۷۰). ریشه بسیاری از جرائم در بسترهای آسیب‌گونه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نهفته است. در واقع، فقدان فرصت‌های قانونی و بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌ها، زمینه رفتارهای ضداجتماعی را فراهم می‌کند.

مرتون، جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است: هر زمان فرهنگ غالب در ارزش‌های اقتصادی مد نظر قرار گیرد و به موازات آن امکانات دسترسی به این ارزش‌ها عادلانه و کافی نباشد، فشار شدیدی بر طبقه محروم به سوی مسیرهای غیرقانونی ایجاد خواهد شد (مرتون، ۱۶۹۰، ص ۲۱۱). نظریات روسو، بر این امر تأکید دارد که فساد از اجتماع ناشی می‌شود؛ بدین معنا که بزهکاری ریشه در بی‌عدالتی‌های اجتماع دارد. بنابراین، طرفداران نظریه روسو معتقد هستند که لازمه پیشگیری از جرم، از بین بردن بی‌عدالتی‌های اجتماعی است (زارع مهدوی و افراسیابی،

۱۳۸۹، ص ۲۰۷-۲۰۹). فقر و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علل ارتکاب جرم در همه جوامع است و با توجه به نقش وزارت امور اقتصادی و دارایی در تعیین سیاست‌های مالی کشور، این بخش از قوه مجریه در امر پیشگیری اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. قوه مجریه، در واقع می‌تواند از طریق اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب و کاهش فقر در جامعه نقش قابل توجهی را در حذف بسترهای اقتصادی جرم ایفا کند.

به موجب وظایف پیش‌بینی شده برای دولت در اصول بیست و هشتم تا سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین رفاه اجتماعی و حذف بسترهای اجتماعی ارتکاب جرم در حیطه وظایف قوه مجریه قرار گرفته است. بنابراین، قوه مجریه با وظایفی که برای ارتقای سطح زندگی و رفاه اجتماعی افراد جامعه بر عهده دارد، در راستای کاهش شرایط اجتماعی ارتکاب جرم گام بر می‌دارد. تأمین زمینه آموزش و پرورش مناسب مطابق با اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از دیگر وظایف قوه مجریه است که بخشی از برنامه پیشگیری اجتماعی محسوب می‌گردد.

بنابراین، وقتی قانون اساسی تأمین مسکن، شغل، بیمه، خدمات درمانی و آموزش و پرورش را بر عهده دولت (قوه مجریه) می‌گذارد، حاکی از آن است که بخش مهمی از پیشگیری اولیه را بر عهده این قوه نهاده است. علاوه بر دیدگاه قانون اساسی در این خصوص، مواد متعددی در قانون پیشگیری از جرم نیز به ضرورت ورود قوه مجریه در این عرصه توجه شده است که به چند مورد از آن اشاره می‌شود. مطالعات انجام شده در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی، عوامل زیر را منشأ بسیاری از انحرافات اجتماعی قلمداد نموده‌اند. در این بخش هر یک از عوامل به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیکاری: عدم اشتغال به‌عنوان یک مسئله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک‌ها می‌گذرانند و این‌گونه اماکن، بهترین و مناسب‌ترین مکان برای کشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است. نبود اشتغال و درآمد مناسب، یکی از معضلات جدی جوامع است که به منظور از بین بردن مشکلات اقتصادی، فراهم نمودن زمینه اشتغال افراد جامعه بسیار مهم است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که یکی از بازوهای قوه مجریه است، با برنامه‌ریزی صحیح در زمینه ایجاد اشتغال

و بیمه‌های بیکاری بخش مهمی از سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی را بر عهده دارد. ماده ۹ قانون ایجاد این وزارت سیاست پیشگیری از ظهور یا گسترش انحراف و مشکلات اجتماعی از طریق فراهم نمودن زمینه استقرار رفاه عمومی و ارتقای حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره را مد نظر قرار داده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۶۴).

نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی: اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند که نمی‌توانند نقش‌های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می‌شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می‌آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پایبندی به قوانین را ایجاد می‌کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می‌دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد.

فقر مادی خانواده: در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر مبنای اساس انحرافات اجتماعی است. از آنجایی که بیشتر مجرمان، معتادان به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می‌نمایند، از طبقات پایین اجتماعی بوده‌اند در عصر حاضر از فقر به‌عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته‌های جوانان آن طبقه با آنچه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می‌گیرد. عمده‌ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشارهای حاصله از شکست در رسیدن به هدف‌های معین است.

رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی: اگر در جامعه‌ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از آن صنعت به طور عادلانه توزیع نشود، امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد: اولاً، کارکنان برای اداره زندگی خود مجبور می‌شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می‌شود. اگر در آن جامعه، برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاری مردم از طرف دولت برای استفاده از اوقات فراغت، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی نشده باشد، زمینه مساعدی برای گرایش به انحرافات اجتماعی فراهم می‌شود. ثانیاً، مشکل ترافیک در شهرهای بزرگ منجر به خستگی ناشی از کار در افراد شده، در نتیجه والدین قدرت تربیت و سرپرستی فرزندان‌شان را نخواهند داشت و بی‌توجهی نسبت به کودکان و نوجوانان موجب گرایش آنان به سمت انحرافات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت و... خواهد شد.

ثالثاً، رشد شهرها باعث افزایش فاصله و شکاف طبقاتی شده و این خود به خود باعث می‌شود برقراری ارتباط با دوستان و خویشاوندان کمتر شده و زمینه برای ایجاد انحرافات اجتماعی فراهم شود (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴-۱۵۷).

۴- بایسته‌های قانون‌گذاری در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی

قانون زمانی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند که جرم‌انگاری و مجازات حائز شرایط و ویژگی‌های باشد:

۴-۱- تناسب و شفافیت و عدالت

- الف. مجازات باید قانونی و مشروع باشد؛
- ب. هدف از کیفر، اصلاح جامعه و فرد باشد؛
- ج. مجازات باید متناسب با شخصیت فردی و خانوادگی و اجتماعی مجرم باشد (فردی کردن مجازات)؛
- د. مجازات باید برای مجرم بازدارنده و برای دیگران عبرت‌آموز باشد؛
- ه. میان جرم و مجازات تعادل وجود داشته باشد؛
- و. مجازات در مورد همه افراد جامعه مطابق قانون به یک نحو اعمال شود؛
- ز. مجازات درباره مجرم اعمال گردد نه کسان و بستگانش (فردی بودن مجازات)؛
- ح. مجازات درباره افراد عاقل، بالغ، مختار که مرتکب جرم شده‌اند به عمل آید (شاملو و نصیرباغبان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳-۱۲۹).

۴-۲- سرعت اجرای مجازات

طبق نظریه بازدارندگی در صورتی که خواهان کاربرد کیفر به‌عنوان مانعی مؤثر در برابر آماج جرم باشیم، اعمال این نهاد کیفری باید با وقوع جرم چندان فاصله‌ای از نظر زمانی نداشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت تصور لازم میان جرم و کیفر در اذهان به سستی گراییده (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۱۷) و پیوند و ارتباط میان آن دو قابل درک و لمس نخواهد بود. از این رو، اطلاع فرایند دادرسی که موجبات وقفه میان جرم و مجازات را فراهم می‌آورد، نه تنها نقش ارعابی کیفرها را از میان می‌برد،

بلکه خود، مشوق بزهکاری است.

بنابراین، تأمین سرعت رسیدگی در برخورد با مجرمین و در رسیدگی به جرائم در محاکم دادگستری، نیازی غیرقابل انکار است، نیازی که موانع بسیاری در راه تأمین آن قرار دارد. برای نمونه، یکی از عوامل طولانی شدن جریان دادرسی‌ها، در کشور ما، مدت زمانی است که صرف ارسال پرونده به مراجع مختلف و انتظار برای اعلام نتیجه از سوی آنها می‌شود.

سرعت اجرای کیفر نیز هم‌پایه تسریع دادرسی حائز اهمیت است، چراکه طولانی شدن زمان مابین صدور حکم محکومیت و اجرای آن با زوال رشته پیوند بین جرم و مجازات، در تغایری آشکار با هدف پیشگیریانه کیفرهاست، به طوری که حتی گاه درک چرایی تحمل مجازات برای خود مجرم نیز دشوار می‌شود، مطلبی که علاوه بر ناعادلانه جلوه دادن اجرای مجازات بر مرتکب - به علت فراموشی جرم ارتكابی وی در اذهان عموم - مشوق بزهکاران در ارتكاب جرائم است. بدین‌روی، اثر بازدارندگی مجازات‌ها بر سایرین تا حد زیادی وابسته به آن است که با چه اطمینان و سرعتی اعمال شود، به گونه‌ای که اگر هر مجازاتی از طرف جامعه در قالب یک بلوف و به صورت ببری کاغذی شناخته شود، معنایش را از دست داده و اثراش فروکش خواهد کرد.

۴-۳- مجازات تبدیلی و تکمیلی

حبس‌گرایی تاکنون نتوانسته در تأمین اهداف جرم‌ستیزی موفق عمل نماید؛ زیرا ورود به زندان علاوه بر زایل نمودن هراس مجازات حبس و حرکت در مسیر مخالف بازدارندگی عام، به علت عدم تحقق بازدارندگی خاص در برخی موارد، شیوه‌ای مؤثر نمی‌باشد. بدین‌معنا که حبس کردن، همواره تضمین‌کننده افزایش هزینه‌های بزه در مقابل همه بزهکاران نیست، به طوری که طبق آمار، تعداد قابل توجهی از مجرمان، دارای سابقه قبلی بوده و بارها زندان را تجربه کرده‌اند، واقعیت تلخی که تحول سازوکارهای کیفری دستگاه قضا را می‌طلبد. نکته دیگر اینکه، سلب آزادی از مجرمان کافی نخواهد بود، تا مانع از تکرار جرم آنان شود و در همین راستاست که، اجرای برنامه‌های اصلاح و تربیت از ابزارهای مکمل است (شاملو و نصیرباغبان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳-۱۲۹)؛ بدین‌معنا که تولد آثار اربعی زندان در گرو توجه به برنامه‌های اصلاحی است، بدین‌سان دنبال کردن خط مشی پیشگیری در مجازات حبس مستلزم برنامه‌ریزی صحیح در فضای داخلی

زندان‌هاست (بولک، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

پس نتیجه آنکه در صورتی که از مجازات سلب آزادی، متعاقب شناسایی روحیه مجرمان در موارد لزوم و در فضایی مناسب استفاده شود، به دلیل سلب آزادی‌های فردی از زندانی، موجب تنبه و تنبیه وی شده و مجرم را به لحاظ واهمه تجربه مجدد چنین محرومیت‌هایی از بزهکاری‌های مکرر باز خواهد داشت (صلاحی، ۱۳۸۶، ص ۳۵)، البته مجرمی که سلب آزادی برای وی به علت دارا بودن ارتباط اجتماعی قوی و پیوند با جامعه (از طریق اشتغال، آموزش و خانواده) و بهره‌مندی از مدارج اخلاقی، هزینه بر و طاقت‌فرسا محسوب می‌شود، نه بزهکاری که چیزی برای او دست دادن ندارد و حتی به دلیل برخورداری از جا و مکان و خوراک و پوشاک از زندان استقبال می‌کند.

۴-۴- استفاده از نظام مجازات‌های شناور

بهره‌گیری از نظام مجازات‌های شناور به معنای تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات‌ها و همچنین استفاده از چند مجازات به صورت انتخابی در مورد یک جرم با کمک به مقوله فردی کردن کیفرها، گامی مؤثر در تأمین هدف پیشگیرانه مجازات‌هاست، چراکه افراد مختلف به لحاظ برخورداری از ویژگی‌های متفاوت فردی، اجتماعی، مادی و معنوی از انواع مجازات‌ها به گونه‌هایی متفاوت تأثیر می‌پذیرند. از این رو، مجازاتی همچون جزای نقدی که برای اقشار فرودست جامعه بازدارنده است، هرگز نسبت به متمولین و طبقات بالادست اجتماع چنین کارکردی را دارا نیست (شیری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱). بدین ترتیب مقنن در جهت پیشگیرانه نمودن کیفرها نسبت به همگان، نباید تنها به یک مجازات محدود باشد، امری که فرای تخطی از اصول عدالت، سبب انحصار تأثیرات ارعابی کیفرها به قشری معین از جامعه می‌شود. نکته دیگر که از مقتضیات مسلم در زمینه پیشگیری کیفری است، تصویب قوانین نوین و متناسب با نیازهای جامعه و انواع جدید بزهکاری است، بدین معنا که مقنن تیزبین باید گام به گام با مجرمان پیش رفته و در هر مرحله واکنشی مناسب در قبال کنش‌های مجرمانه آنان از خود نشان دهد؛ زیرا تأخیر، بین پیدایش گونه‌های نوین جرائم و تعیین ضمانت اجرای کیفری، ترغیب‌گر تعداد بیشتری به بزهکاری است (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۶۰-۶۱).

۴-۵- شدت مجازات و قاطعیت در آن

گذشته از لزوم توجه مقنن به چگونگی بهره‌جویی از نهاد شدت مجازات و عدم استفاده از مجازات‌های غیربازدارنده، از دیگر عواملی که یاریگر قانون‌گذاران در رسیدن به غایت پیشگیرانه کیفرهاست، شدت برخورد با مجرمان مکرر است، به طوری که در تنظیم سیاست مقابله با تکرار جرم، قانون‌گذاران ایران در دوره‌های مختلف تحت تأثیر اندیشه بازدارندگی قرار داشته و بر این اساس تلاش کرده‌اند تا با اتخاذ معیارهایی مختلف در مقابل تکرارکنندگان جرم شدت عمل نشان دهند، سیاست شدت عملی که در قالب افزایش مجازات‌ها بروز کرده است (همان، ص ۸۳-۸۴)، چراکه ارتکاب مجدد جرم، نشان از آن دارد که مجازات اولیه و شدت آن به لحاظ عدم برابری با سود بزه، قادر به مرعوب ساختن مرتکب نبوده است، لذا طبق نظریه بازدارندگی، شدت برخورد با چنین مجرمانی جهت حرکت در جاده پیشگیری امری ضروری است.

علی‌رغم اینکه ادله مربوط به سهل و سمحه بودن دین، و مدارا، رفق و تیسیر که به وفور در منابع اسلامی ملاحظه می‌شود، نمی‌توان با مجرمان بدسابقه و پرسابقه و یا جنایتکاران با این شیوه برخورد کرد. از سال ۱۹۹۴ در برخی از ایالت‌های آمریکا همچون نیویورک سیاستی به نام «تسامح صفر» در برخورد با جرائم در حال اجرا است که پیشنهاددهنده آن رودلف جولیانی، شهردار نیویورک است. این سیاست خود مبتنی بر تئوری (پنجره‌های شکسته) است که در سال ۱۹۸۲ توسط دو تن از نظریه‌پردازهای محافظه کار به نام جیمز کیویلسون (James Q. Wilson) و جورج ال کلینگ (George L. Kelling) طی مقاله‌ای در ماهنامه آتلانتیک ارائه شد. آنان نظریه جدیدی برای مبارزه با جرم مطرح کردند با این مضمون که اگر اولین پنجره‌ای که در ساختمانی شکسته می‌شود تعمیر نشود، کسانی که شکستن پنجره‌ها را دوست دارند بنا را بر این می‌گذارند که سرنوشت این ساختمان برای هیچ کس مهم نیست و پنجره‌های بیشتری شکسته می‌شود. خلاصه اگر جوانان ولگرد به حال خود گذاشته شوند به جرائم مهم‌تری روی می‌آورند. در سال ۱۹۹۴ شهرداری نیویورک تغییرات مهمی در اداره پلیس خود ایجاد کرد و بر رویکرد تسامح صفر با تکیه بر نظریه پنجره‌های شکسته تأکید کرد (<http://www.Cjcg.org/s/windows.html.2/11/2003>).

بر اساس این تئوری و سیاست تسامح صفر است که نسبت به کوچک‌ترین جرائم، حتی گذشتن از خیابان در محلی که خط عابر پیاده نیست، و یا ولگردی و مشروب خوردن

در اماکن عمومی و... سخت‌گیری می‌شود. در دبیرستان از قانون سه اختصاره شدن تبعیت می‌شود که دانش‌آموز با سه خطا از دبیرستان اخراج می‌شود (<http://www.thisstru.com/ztp.html>).
6/2/2003) و بازرسی‌های بدنی در حال ورود دبیرستان و بازرسی‌های تصادفی در هر نقطه شهر صورت می‌گیرد. سیاست تسامح صفر در مورد کشف جرائم به پلیس حق می‌دهد به طیف گسترده‌ای از مردم که اکثر آنها جوان‌ها، سیاه‌ها و آمریکای لاتینی‌ها هستند دستور ایست، بازرسی بدنی و توقیف دهد، با این هدف که از میان همین‌ها، مجرمین خرده‌پا و از میان این مجرمین خرده‌پا، یعنی استعمال‌کنندگان ماری جوانا و ولگردان، مرتکبین جرایم سنگین نیز پیدا شوند. در حال حاضر طیف گسترده‌ای از مخالفت‌ها در مورد چنین سیاست‌هایی وجود دارد (<http://endzerotolerance.com/2/8/2003>).

نظریه پنجره‌های شکسته بر نقش انحراف یا کجروی در اخلال نظم تکیه دارد و اخلال در نظم را زمینه‌ساز ارتکاب جرم می‌داند (قیاسی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶-۳۳۷). تناسب مجازات‌های مقرر با جرائم مربوط و نیز تفاوت مابین مجازات جرایم سبک و سنگین در راستای سیاست جنایی افتراقی، یکی دیگر از لوازم کار قانونی برای بازدارنده گردانیدن مجازات‌هاست، بدین‌معنا که همان‌گونه که بتنام عنوان کرده است، شدت کیفر باید به میزانی باشد که مجرم را از منافع حاصل از ارتکاب جرم روی‌گردان کند، لذا مابین منافع عمل مجرمانه و مجازات تعیینی برای آن عمل، بایستی تناسب برقرار باشد، از طرف دیگر سیاست جنایی افتراقی حکم می‌کند که از تساوی مجازات در بین جرائمی که از شدت و ضعف برخوردار بوده و میزان سود متفاوتی را نصیب مرتکبان‌شان می‌کنند، پرهیز شود؛ زیرا این امر، سبب ارتکاب جرایم شدیدتر است، چراکه با این شرایط، ارتکاب جرم سنگین‌تر تفاوتی در وضعیت مرتکب و زیان متوجه او ایجاد نمی‌کند، نکته ظریفی که توجه بیش از پیش مقنن را می‌طلبد.

۴-۶- اجرای علنی برخی مجازات

برخلاف دیدگاه منفعلانه برخی نویسندگان به بهانه حقوق بشر یا ادعاهای ناتمام دیگر، اجرای علنی مجازات‌ها آثار و پیامدهای مثبتی در بازدارندگی داشته است و با اعلام رضایتمندی بسیاری از صاحب‌نظران و مسئولان نسبت به آن مورد پشتیبانی قرار گرفته است. هرچند که در کنار این عده

از موافقان اجرای آشکار اعدام در کشورمان، همواره عده‌ای هستند که روشنفکر مآبانه با حرکت مزبور به مخالفت جدی می‌پردازند. بنابراین، ممانعت از اجرای اعدام در ملأ عام را باید منفعلانه دانست و نکوهش کرد، چراکه اجرای حکم اعدام در ملأ عام، علاوه بر تحقق بازدارندگی اجتماعی و اصلاح مجرمان، تسلی بزه‌دیده را به دنبال دارد (بهرامی، ۲۵/بهمن ۱۳۸۶، روزنامه همشهری). نتیجه مطلوب و رضایت‌بخشی که در پی اجرای علنی سایر مجازات‌ها و اغلب تحت عنوان «برخورد با اراذل و اوباش محله‌ها» نیز بر جای می‌ماند، اراذل و اوباشی که از راه آویختن آفتابه به گردنشان و سوار کردن آنان بر مرکب حمار به همراه تراشیدن سرهایشان مورد مجازات قرار می‌گیرند تا شاید شکستن هیمنه آنان، کلاس درسی عبرت‌آموز برای سایرین باشد (احمدی، ۱۹/اسفند ۱۳۸۶، روزنامه اعتماد ملی). چنانکه خداوند متعال در کتاب آسمانی قرآن می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِكَيْلَ تَعْلَمُوا أَنَّهَا جَزَاءُ الْفَاسِقِينَ» (نور: ۲).

نتیجه‌گیری

قوانین کارآمد و مؤثر، مستقیماً با جرم‌انگاری اعمال مجرمانه و تنظیم فهرستی از جرائم و مجازات‌ها و آگاه نمودن افراد جامعه نسبت به رفتارهای ضداجتماعی، در پیشگیری از جرایم تأثیر شایسته‌ای دارند و غیرمستقیم با بسیج کردن و جهت دادن به دستگاه‌های قضایی و اجرایی از پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی از جرم و وقوع و شیوع آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کند. البته قوانین همان‌طور که می‌توانند در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشند، به همان اندازه ممکن است در گسترش جرم و آسیب‌های اجتماعی تأثیر مخرب داشته باشند به‌ویژه با رویکرد اصالت لذت و اباحه‌گری و انگاره‌های اومانستی. قوانین در صورتی تأثیر مثبت خواهد داشت که از تناسب و شفافیت برخوردار بوده و عادلانه باشند. قوانین مجوز یا دال بر سرعت و شدت مجازات و قاطعیت در اجرای آن و استفاده از نظام مجازات‌های شناور و در نظر گرفتن مجازات تبدیلی و تکمیلی و اجرای علنی برخی مجازات بازدارنده خواهد بود. چه آنکه بر اساس سیاست «تسامح صفر» مبتنی بر تئوری «پنجره‌های شکسته»، در غیر این صورت بزهکاری‌ها گسترش یافته، آسیب‌های اجتماعی روزافزون خواهد شد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با

هنجارسازی و ایجاد و تقویت گفتمان قانون‌گرایی و پیشگیری از راه جرم‌انگاری اعمال مجرمانه و نیز از راه تکلیف قانونی به دستگاه‌های قضایی و اجرایی و پیش‌بینی ضمانت اجرای کافی در مورد قصور نهادهای دولتی از وظایف خود در زمینه برخورد با مجرمین و پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی، بستر فعالیت‌های جدی‌تر فراهم گردد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، ۱۳۸۸، «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۱۲، ص ۳۷-۵۲.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان‌العرب*، ط الثانیه، بیروت، دار صادر.
- احمدی، نعمت، ۱۳۸۶/۱۲/۱۹، «همین قدم هم غنیمت است»، روزنامه اعتماد ملی.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۶، *حقوق جزای عمومی*، چ هجدهم، تهران، نشر میزان.
- بابایی، محمدعلی و علی نجیبیان، ۱۳۹۰، «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۱۴۸، ص ۱۴۷-۱۷۲.
- بکاریا، سزار، ۱۳۸۰، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چ چهارم، تهران، نشر میزان.
- بولک، برنار، ۱۳۸۵، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ششم، تهران، مجد.
- بهرامی، بهرام، ۱۳۸۶/۱۱/۲۵، «توقف اجرای علنی اعدام»، روزنامه همشهری.
- بیات، بهرام و همکاران، ۱۳۸۷، *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور*، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی ایران.
- پرادل، ژان، ۱۳۸۱، *تاریخ، تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، سمت.
- تاج، زمان، ۱۳۶۸، *مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست*، چ دوم، تهران، کیهان.
- تیت، مارک، ۱۳۸۴، *فلسفه حقوق*، ترجمه حسن رضایی خاوری، مشهد، مؤسسه فرهنگی

- قدس.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۱، مسبوط ترمینولوژی حقوق، چ دوم، تهران، گنج دانش.
 - حبیب‌زاده، اصحاب و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی نقش دوگانه رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرم»، *انتظام اجتماعی*، ش ۲.
 - دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
 - زارع مهدوی، قادر و علی افراسیابی، ۱۳۸۹، «تحلیل مدل‌ها و گونه‌های پیشگیری از جرم بر مبنای فلسفه سیاسی هابز و روسو»، *آموزه‌های حقوقی*، ش ۱۴، ص ۱۸۹-۲۱۴.
 - ساریخانی، عادل و مریم سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵، «نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۹۴، ص ۱۴۱-۱۵۴.
 - ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۷۹، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، آوای نور.
 - السدیری توفیق بن عبدالعزیز، ۱۴۲۵ق، *الإسلام و الدستور*، الرياض، وزارة الشؤون الإسلامية و الاوقاف و الدعوه و الارشاد.
 - سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی کجروی*، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 - شاطری‌پور اصفهانی، شهید، ۱۳۸۸، «پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم در کنواسیون پالرمو و کنوانسیون مریدا»، *مطالعات پیشگیری از جرم*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۸۱-۱۰۲.
 - شاملو، باقر و حسین نصیرباغبان، ۱۳۹۰، «اصول حاکم بر مجازات‌های بدنی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۵۶، ص ۱۲۱-۱۵۲.
 - شیری، عباس، ۱۳۸۵، *عدالت ترمیمی*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
 - شیری، عباس، ۱۳۸۶، «نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، *مطالعات و پیشگیری از جرم*، ش ۲، ص ۱۵-۵۲.
 - صفاری علی، ۱۳۸۰، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۳۳ و

۳۴، ص ۲۶۷-۳۲۲.

- صلاحی، جاوید، ۱۳۸۶، *کیفرشناسی*، تهران، میزان.
- عبداللهی، محمود، ۱۳۸۳، «*آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران*»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران.
- علومی، رضا، ۱۳۸۴، *کلیات حقوق*، تهران، مؤسسه عالی حسابداری، چاپ مهین.
- عمید، حسن، ۱۳۹۰، *فرهنگ عمید*، چ سی و هشتم، تهران، امیرکبیر.
- غلامی، حسین، ۱۳۸۲، *تکرار جرم (بررسی حقوق و جرم‌شناختی)*، تهران، میزان.
- فدایی شهری، غلامرضا، ۱۳۸۵، «نقش پلیس مکتبی در کنترل و پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی»، *مطالعات پیشگیری از جرم*، ش ۱، ص ۷۴-۵۵.
- فریدمن، لارنس، ۱۳۸۶، *بازدارندگی*، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان‌پور بناب، مشهد، آستان قدس رضوی.
- فلچر، جورج، ۱۳۸۴، *مفاهیم بنیادین حقوق کیفری*، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران.
- قیاسی، جلال‌الدین، ۱۳۸۶، *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کعبی، عباس، ۱۳۸۲، «تطبیق نظام حقوقی اسلام با حقوق وضعی معاصر»، *فقه اهل بیت فارسی*، سال نهم، ش ۳۶، ص ۱۰۰-۱۲۶.
- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۷، *حکومت در اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- گسن، ریمون، ۱۳۷۰، *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، ناشر مترجم.
- محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، *دوره حقوق جزای عمومی*، چ سوم، تهران، گنج دانش.
- محمصانی، صبحی، ۱۹۶۱، *فلسفه التشريع فی الاسلام: مقدمه فی دراسة الشريعة الاسلامیة علی ضوء مذاهبها المختلفة وضوء القوانین الحدیثة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی (ره).

- _____، ۱۳۷۲، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مظلومان، رضا، ۱۳۵۶، *کلیات جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- معظمی، شهلا، ۱۳۸۶، «پیشگیری جرم‌شناختی»، *مجدد*، ش ۱.
- معین، محمد، ۱۳۶۲، *فرهنگ لغت*، تهران، امیرکبیر.
- میرخلیلی، سید محمود، ۱۳۸۸، *پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت.
- _____، ۱۳۷۹، «*تقریرات درس جرم‌شناسی نظری*»، دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- نوربها، رضا، ۱۳۸۳، *زمینه جرم‌شناسی*، چ سوم، تهران، گنج دانش.
- Cossingham Rondy. Losing my telorance for ztp (zero telorance Policy) : <http://www.thisistru.com/ztp.html>. 6/2/2003 .
- <http://endzerotolerance.com/2/8/2003>.
- Merton, Robert, 1960, "Social Theory And Social Structure", Free Press, New York.
- Pub Jamison Ross, Shattering broken windows: An analysis of San Fraciscos alternative crime policies: <http://www.Cjcz.org/s/windows.html.2/11/2003>
- Ronald v Clarke, 1992, Situational crime prevention, New York, Horrow and Heston publication.
- Situational crime prevention – successful cases studies .

